

قلب سخت تر از سنگ چگونه قلبی است و چه نشانه‌هایی دارد؟

چه کسانی قلب سخت تر از سنگ دارند؟

درباره قساوت قلب و علائم آن چیزی می‌دانید؟ در مورد قلب سخت تر از سنگ چطور؟ شاید عجیب باشد و این سؤال مطرح شود، که مگر می‌شود چیزی از سنگ هم سخت تر باشد؟ بله ممکن است. قلب بعضی افراد به درجه‌ای از نفوذناپذیری و سختی می‌رسد که «قلب سخت تر از سنگ» نام می‌گیرد. همیشه سخت‌ترین چیزها به سنگ تشبیه می‌شوند؛ پس وقتی گفته می‌شود قلب سخت تر از سنگ، منظور اوج سختی و قساوت در آن قلب است. اگر خاطرتان باشد، قبلاً هم درباره قساوت قلب به‌عنوان یک بیماری روحی و قلبی صحبت کردیم و روش‌های درمان آن را نیز معرفی کردیم. بحث فعلی هم ادامه همان بحث است. اما این بار از دریچه تقسیم‌بندی‌های قرآنی به آن نگاه می‌کنیم.

گفتیم که قرآن فاسقان را بر اساس ساختار باطنی و بُعدی که در وجودشان غلبه دارد به چند گروه تقسیم می‌کند. گروه اول کسانی هستند که بعد حیوانی بر قلب‌شان حکومت می‌کند، گروه دوم تحت تأثیر کمالات گیاهی‌اند، گروه سوم دل‌سپرده کمالات جمادی هستند و گروه چهارم در اثر شدت گناه و انحراف، باطن شیطانی پیدا کرده‌اند. در این میان گروهی هم هستند که خداوند آن‌ها را دارای قلب سخت تر از سنگ می‌داند. قلب سخت تر از سنگ معادل همان قساوت قلب است، که قبلاً درباره‌اش صحبت کردیم. در واقع قساوت قلب به معنای سنگ شدن قلب نیست، بلکه بسیار فراتر از آن است.

اگر اهل گشت و گذار در طبیعت باشید حتماً سنگ‌هایی که شکاف برداشته و از دلشان چشمه‌ها و رودها جاری شده‌اند، دیده‌اید. خداوند در آیه ۷۴ سوره بقره از این ویژگی سنگ‌ها به عنوان یک ویژگی مثبت یاد می‌کند و می‌فرماید اگرچه سنگ سخت و نفوذناپذیر است، اما همین سنگ سخت گاهی شکاف برمی‌دارد و از درونش چشمه‌ها و نهرها جاری می‌شود.^۱ اما قلب بعضی آدم‌ها در همین حد هم نفوذپذیری ندارد.

^۱ «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْجِبَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنْ مِنَ الْجِبَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَشْقَى فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...»

سنگ‌ها شعور دارند و متناسب با ادراک خودشان حمد و تسبیح خدا را به‌جای می‌آوردند. اولیای الهی و بزرگانی که اهل مکاشفه و کرامات‌اند، می‌توانند تسبیح سنگ‌ها و جمادات را بشنوند و در این‌باره داستان‌های زیادی از آن‌ها نقل شده است؛ بنابراین سنگ‌ها هم کمالاتی دارند و همان‌طور که خداوند در ادامهٔ آیه فرموده، بعضی از سنگ‌ها از خشیت و خوف خداوند از فراز کوه‌ها به زیر می‌افتند، اما قلب بعضی از انسان‌ها با شنیدن نام خدا سر سوزنی تکان نمی‌خورد! این آیه دربارهٔ قساوت قلب قوم بنی اسرائیل است که با وجود مشاهدهٔ معجزات و نعمت‌های خدا، بازهم راه عناد و لجajt را در پیش گرفتند.

قساوت قلب در اثر غلبهٔ هر کدام از ابعاد جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی بر بخش انسانی می‌تواند اتفاق بیفتد؛ برای نمونه کسی که همهٔ فکر و ذکرش ذخیرهٔ پول، خرید ویلاهای لاکچری، به روز کردن اتومبیل یا تلمبار کردن جواهرات است، در اثر غلبهٔ بعد جمادی به قساوت قلب دچار می‌شود. کسی که شهوت مقام و ریاست دارد و به هر قیمتی به دنبال ترفیع درجه و مقام است، در اثر غلبهٔ بعد حیوانی، قسای قلب می‌شود. کسی که تمام عشقش چاپ کتاب، مقاله، کنفرانس، کرسی استادی و چیزهایی از این قبیل است، در اثر غلبهٔ کمالات عقلی به قساوت می‌افتد؛ حتی سرگرم شدن به عبادت و صورت‌های مقدس هم در صورتی که ما را از خود خدا غافل کند، عامل قساوت قلب است.

علائم قساوت قلب

در حالت طبیعی، هر بخشی از وجود ما عاشق زوج خود است و از هم‌نشینی و هم‌آغوشی با آن لذت می‌برد؛ مانند میل و کشش ما به ثروت در بخش جمادی، میل به زیبایی در بخش گیاهی، تمایل به جنس مخالف در بخش حیوانی و شهوت علم و اطلاعات در بخش عقلی؛ پس اگر قلب ما هم سالم باشد، باید از هم‌آغوشی و خلوت با معشوق خود یعنی خداوند، لذت ببرد؛ اگر این‌گونه نیست یعنی ما به درجاتی از قساوت قلب

مبتلا شده‌ایم و اگر دیر بجنبیم و این بیماری به مراحل پیشرفته وارد شود، ممکن است دیگر قابل درمان نباشد.

همه بیماری‌ها در ابتدا با یک هشدار اولیه شروع می‌شوند. هشدار اولیه در قساوت قلب نیز بی‌رغبتی نسبت به یاد خدا و خانواده آسمانی است. کسی که از خوردن یک فنجان چای، تماشای مسابقه فوتبال، دوره‌های دوستانه، خواندن کتاب‌های علمی، تماشای فیلم‌های سینمایی و امثال این‌ها بیش از خلوت و عشق‌بازی با خدا لذت می‌برد، قطعاً قلبش بیمار و از حالت تعادل خارج شده است.

قساوت قلب مثل بیماری‌های خود ایمنی عمل می‌کند. در حالت طبیعی بدن تفاوت بین عوامل بیگانه و سلول‌های خودی را تشخیص می‌دهد و صرفاً به عوامل بیگانه مثل پاتوژن‌ها، ویروس‌ها و ... حمله می‌کند. اما در بیماری‌های خود ایمنی بدن در تشخیص مصلحت خود دچار مشکل می‌شود و به جای حمله به عوامل خارجی، سلول‌های خودش را مورد حمله قرار می‌دهد. قساوت قلب هم دقیقاً به همین شکل عمل می‌کند.

کسی که به قساوت قلب دچار شود، حق و باطل را گم می‌کند و از تشخیص صلاح خود ناتوان می‌شود؛ در نتیجه به‌جای اینکه به فکر ابدیت خود باشد، چشمش فقط همین چند صباح دنیا را می‌بیند و دائماً هول می‌زند که از بقیه جلو بیفتد؛ به هر قیمتی شده به شهرت برسد، پول بیشتری کسب کند، مقام بالاتری به‌دست بیاورد و...؛ ولو کسب این کمالات به قیمت له کردن و پایمال کردن حقوق دیگران باشد. او متوجه نیست که با این کارها چه آسیب‌های وحشتناکی به ابدیتش می‌زند و چه عذاب‌هایی در پی دارد. آدم قسی‌القلب به‌جای کسب رضایت خداوند، به خودفروشی و گدایی عاطفه از این و آن دچار می‌شود و حاضر است در ازای دریافت اندک توجهی از سمت دیگران، چوب حراج به خودش بزند و کرامت و عزت نفس خود را لگدمال کند. متأسفانه قساوت قلب در مراحل پیشرفته دیگر قابل درمان نیست و قلب سخت‌تر از سنگ، دیگر هیچ پند و اندرز را نمی‌پذیرد.

به نظر شما قساوت قلب چه علائم دیگری دارد؟ مشتاق شنیدن نظرات ارزشمند شما هستیم.